

## فصلنامه تاریخ اسلام

سال دوازدهم، شماره اول و دوم،

بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره مسلسل ۴۶ - ۴۵

## تاریخ اجتماعی\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۹

تاریخ تأیید: ۹۰/۵/۱۷

\*\* مترجم: دکتر حسن زندیه

تاریخ اجتماعی یکی از گرایش‌های تاریخ است که حوزه وسیعی از جلوه‌های مختلف زندگی و فرهنگ انسان گذشته را بررسی می‌کند و به مطالعه ساختار، فرآیند و برآیند کنش آدمی می‌پردازد. این بخش از مطالعات تاریخی پس از توجه بیش از حد به تاریخ سیاسی که در برگیرنده تاریخ فرادستان و حکومت‌گران است، به تاریخ فرودستان و نقش اجتماعی آنها توجه نموده است. تاریخ اجتماعی تعریف و تحدید مشخصی ندارد و اختلاف آرای فراوانی بر دایره شمول، ماهیت، مبانی و خاستگاه آن وجود دارد. هم‌چنین، پرسش‌های فراوانی درباره ابعاد مختلف تاریخ اجتماعی مطرح شده‌اند که عبارتند از: ارتباط

\* J. Jean Hecht, 'Social History', International Encyclopedia of the Social Sciences, vol 5, The Macmillan Company and the free press, New York, 1, 75.

چاپ ترجمه این مقاله با هدف آشناسازی علاقمندان و پژوهشگران حوزه تاریخ اجتماعی با مفاهیم بنیادی این حوزه نوپدید مطالعات تاریخی صورت گرفته است.

\*\* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران.

تاریخ اجتماعی با سایر حوزه‌های تاریخ چگونه است؟ مثلاً ارتباط تاریخ اجتماعی با تاریخ سیاسی و اقتصادی چگونه است؟ تاریخ اجتماعی چه تعامل، تمایز و تفاوتی با تاریخ فرهنگی دارد؟ ارتباط و تعامل آن با جامعه‌شناسی و مفاهیم آن چگونه است؟ تاریخ اجتماعی در میان حوزه‌های مطالعات تاریخی، از چه جایگاهی برخوردار است؟ و منابع مطالعاتی تاریخ اجتماعی کدامند و چه وجوه اشتراک و افتراقی با منابع گرایش‌های دیگر تاریخی دارد؟ این مقاله می‌کوشد موارد مذکور را بررسی نماید.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ اجتماعی، تاریخ فرهنگی، تاریخ سیاسی، مارک بلوخ، لوسین

فیور، مارکس، ولتر.

شکل آرمانی تاریخ اجتماعی بر اساس متون گذشته، به مطالعه ساختار و فرآیند کنش و واکنش انسان در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد. اما در عمل به ندرت در اصطلاحات تحلیلی فهمیده می‌شود و همواره در قالب اصطلاحات جامع نامفهوم است. در واقع، بیشتر محققان تاریخ اجتماعی به تاریخ نگاری، روایت و توصیف اکتفا کرده‌اند و در حوزه تاریخ اجتماعی با هم اختلاف نظر زیادی دارند. برخی بر این باورند که تاریخ اجتماعی در برگیرنده تمام گونه‌های مختلف زندگی و فرهنگ در جوامعی است که در دوره تاریخی وجود داشته‌اند. برخی دیگر مصرانه بر این باورند که حوزه توجه تاریخ اجتماعی به نتایج جداسازی حکومت، اقتصاد و حوزه‌های وسیعی از فرهنگ، مانند اعتقادات مذهبی و فن‌آوری محدود است و گروهی دیگر آن را از این هم محدودتر کرده و به مجموعه‌ای ناهمگون از نهادهای اجتماعی و محلی، آداب و رسوم، نگرش‌ها و کالاهای دست‌ساز بشر (Artifacts) منحصر کرده‌اند. طیف متنوعی از این تعاریف اساسی با تغییرات اندکی پیشنهاد شده است. این تنوع نگرش‌ها در حوزه تاریخ اجتماعی،

منجر به ابهام زیادی در ماهیت این رشته گردیده است.

منابع تاریخ اجتماعی بسیار متنوع و گوناگون است. و مطالب متنوعی هم چون گزارش‌های رسمی، اسناد حقوقی، جراید، کتابچه‌ها، موضوع‌های هنری، پوسترها، آثار ادبی و کالاهای دست‌ساز بشر را در بر می‌گیرد. یکی از مقوله‌های مهم این نوع مطالب، شامل مکتوبات شخصی افراد هم چون نامه‌ها، دفتر خاطرات و جرایدی است که به طور عمیق و مشروح، ابعاد بسیار خصوصی و محرمانه‌ای را از تجربه‌های انسانی آشکار می‌سازند. اما هیچ موضوعی وجود ندارد که بتوان ادعا کرد که متعلق به تاریخ اجتماعی است و این امر، یکی دیگر از علل ابهام در ماهیت این رشته است.

#### خاستگاه‌ها

از زمانی که هرودوت (Herodotus) راه و رسم زندگی خانوادگی سکاها (Scythians) را گزارش داد و تاسیتوس (Tacitus) به توصیف نهادهای اجتماعی قبایل ژرمن (Germanic tribes) پرداخت. مورخان روایت‌هایی را نگاشته‌اند که آنها را می‌توان نوعی از تاریخ اجتماعی دانست. تا قرن هجدهم، چنین روایت‌هایی به صورت بخش‌هایی بی‌اهمیت که در آثار معمولی [تاریخ‌نگاری] گنجانده می‌شد، تجلی می‌کرد، اما پس از آن که توجه زیاد به نهادهای گذشته، به واسطه اشتیاق فراوان به مطالعه بشر و جامعه، بر مبنای تجربه مستحکمی به وجود آمد، تاریخ اجتماعی به عنوان یک رشته علمی مجزا پدیدار گشت.

اگر چه از قدیم یوستوس موزر (Justus Moser) را بانی این رشته دانسته‌اند و کتاب او تحت عنوان تاریخ اسنابروک<sup>۱</sup> (۱۷۶۸ م) را اولین بررسی کامل توده مردم یک منطقه شناخته‌اند، باید ولتر (Voltaire) را عامل اولیه و اصلی پیدایش این رشته دانست. وی در کتاب عصر لوئی چهاردهم<sup>۲</sup> (۱۷۵۱ م) جامعه فرانسه را به عنوان یک کل بررسی می‌کند و در حالی که می‌کوشد دیدگاهی جامع ارائه دهد، به جنبه‌های بی‌شماری از زندگی و فرهنگ فرانسه؛ از جمله جنگ‌ها، امور مالی، حکومت، علوم، ادبیات، هنر، آداب و

رسوم و مذهب می‌پردازد. هم چنین وی می‌کوشد ویژگی‌هایی را که منجر به تشکیل این کلیت [زندگی و فرهنگ] شده است، مشخص نماید. در عین حال، این رویکرد را در کتاب دیگرش با عنوان شرح جامعی بر تاریخ عمومی، سنن و ذهنیت‌ها<sup>۳</sup> (۱۷۵۶ م) به کار می‌برد که شامل مجموعه‌ای از گفتمان‌های ناهمگون و بی‌ارتباط است و در آن، نبوغ، عادات، آداب و رسوم ملل بزرگ را که در سال‌های بین دوران شارلمانی (Charlemagne) تا لوئی چهاردهم (Loius XIV) به شکوفایی رسیدند، بررسی می‌نماید. در هر دوی این آثار، این نکته وجود دارد که، چون بشر گذر از بربریت قرون وسطی تا روشن فکری قرن هجدهم را عملی ساخت، روند تاریخی، مرحله به مرحله پیشرفت می‌کند.

#### تاریخ فرهنگی به مثابه تاریخ اجتماعی

آثار پیش‌رو ولتر آغازگر تحول تاریخ فرهنگی بود که در ظاهر الگوهای فرهنگی را توصیف و تشریح می‌کند، ولی بیشتر به بررسی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی می‌پردازد. در بین فرضیه‌های تاریخ فرهنگی، دیدگاه‌هایی اساسی وجود دارد که بر مبنای آنها هر جامعه‌ای با وجود تنوع در شکل زندگی و تفکر، یک پارچگی مهمی دارد که ویژگی‌های خاصی بر آن حاکم است و قطعاً، مانند موجودی زنده، مراحل تکوینی متعددی را پشت سر خواهد گذاشت. در قرن هجدهم، جریان‌های عقیدتی از این فرضیه‌ها حمایت جدی می‌کردند. یکی از این جریان‌ها که شامل مجموعه‌ای از ایده‌ها بود. به طور مرسوم مکتب رمانتیک نامیده شد و جان گتفریدون هردر (Johann Gottfried von Herder) در کتاب اصول فلسفه تاریخ بشر (۱۷۸۴ - ۱۷۹۱)<sup>۴</sup> با توجه به آن، به هر ملت، نوعی ویژگی‌های خاص روان‌شناختی نسبت داد که از طریق عملکرد اراده‌ای ویژه، مجموعه‌ای منحصر به فرد از اشکال اجتماعی و فرهنگی ایجاد می‌کند. جریان دیگر، مفهوم پیشرفت بود که در کتاب ای، آر، جی ترگات (A.R.J. Turgot) تحت عنوان در باب پیشرفت ذهن بشر<sup>۵</sup> (۱۷۵۰) و در کتاب کندرسه (Condorcet) با عنوان طرحی برای تصویر

تاریخی پیشرفت ذهن بشر<sup>۱</sup> (۱۷۹۵) آمده است و تلویحاً نشان می‌دهد که تاریخ، فرآیندی جمعی است و هر مرحله از آن باید، پیش از مرحله بعدی‌اش واقع شود. این جریان‌های فکری در ایدئالیسم فیخته (Fichte)، شلینگ (Schelling) و هگل (Hegel) در هم آمیخت که در اوایل قرن نوزدهم، از حمایت مشابه برخوردار بود. آن گونه که از ایدئالیسم برداشت می‌شود، تاریخ طرحی است که منطق درونی‌اش، آن را وا می‌دارد تا مرحله به مرحله آشکار شود و هر مرحله از آن، مبین پیشرفتی است که هر دوره با ویژگی‌های مجزاً بر همه جنبه‌های زندگی اثر می‌گذارد.

تاریخ فرهنگی که با نفوذ این مفهوم تقویت شده بود، به سرعت متحول گردید. گاهی اوقات، پویایی و جامع بودن آن، کمتر از آن چیزی بود که در نظریه وجود داشت و در میان کسانی که این مفهوم را باور داشتند، آثار موضوعی و دوره‌ای بسیاری مشاهده می‌شود. هر چند به عنوان قانونی کلی، این روش تحول اجتماعی را در یک دوره زمانی موقت و طولانی دنبال می‌نمود. کتاب هنری هلام (Henry Hallam) با عنوان نگاهی به وضعیت اروپا در قرون وسطی<sup>۲</sup> (۱۸۱۸)، مثالی ابتدایی و متعلق به دوران شکل-گیری این روش است که وضع نهادهای اجتماعی، ادبیات، آموزش و پرورش و تجارت را بررسی می‌کند. آثار دیگری که ویژگی‌های اصلی تاریخ فرهنگی را دارند، عبارتند از تاریخ تمدن اروپا<sup>۳</sup> (۱۸۲۸) نوشته فرانسویس گویت (Francois Guizot) و تاریخ جهانی (۱۸۳۱) نوشته ژولیوس میشل (Jules Michelet) که به طور مبسوط از ایدئولوژی و ارزش‌ها سخن می‌گویند. با انتشار کتاب دوران کنستانتین بزرگ<sup>۴</sup> (۱۸۵۳) نوشته ژاکوب بورکهارت (Jacob Burckhardt) که به مطالعه سقوط امپراتوری روم می‌پردازد، این روش به دوران بلوغ خود رسید و با انتشار کتاب تمدن رنسانس در ایتالیا<sup>۵</sup> (۱۸۶۰) که مطالعه پیدایش مدرنیته است، این روش به اوج تکامل رسید.

ابعاد گوناگون روش بورکهارت در بررسی رنسانس ایتالیا، نمونه بسیار عالی روش تاریخ فرهنگی است. وی در حالی که به تحول شهرهای شمال ایتالیا در فاصله میان قرون چهاردهم تا شانزدهم می‌پردازد، توجه خود را بر تشکل فرهنگی‌ای متمرکز می‌کند که در

آن جا تکامل یافته است. او دگرگونی‌های متعددی را دنبال می‌کند که نشان می‌دهند چگونه عناصر قرون وسطی به تدریج جای خود را به عناصر مدرن دادند. وی پیدایش تاریخ فرهنگی را به مشروعیت نداشتن قدرت سیاسی حاکم، نسبت می‌دهد و ویژگی‌های اصلی تاریخ فرهنگی را در الگوهای مجزای بینش، تفکر و قواعد دنبال می‌کند که در فردگرایی اجتناب‌ناپذیری نهفته است. توصیف این الگوهای فرهنگی، با بررسی مشروح نظم اجتماعی توأم با آن، بسیار مرتبط هستند. وی توضیح می‌دهد که چگونه طبقه اشراف با نفوذ از ترکیب شهرنشینان و نجیب‌زادگان به وجود آمدند و خاستگاه، رشد و ویژگی‌های گروه‌های جدیدی، هم چون هنرمندان و انسان‌گرایان را توصیف می‌کند. بررسی وی از الگوهای رفتاری، مجموعه‌ای وسیع از موضوع‌های به هم پیوسته، مانند کثرت خشونت، شیوع فساد، آزادی زنان و شدت رقابت را تبیین می‌کند و توصیف وی از برخی تیپ‌های مهم اجتماعی، نظیر دیکتاتورها، افراد چند وجهی (Polyhedrous) و درباریان درجه یک (Perfect courtier) به همان میزان آگاهی بخش است. به طور خلاصه باید گفت که وی همان گونه که مراحل یک جامعه در حال تغییر را نشان می‌دهد، پیچیدگی‌های آن را نیز به شکل مؤثری به تصویر می‌کشد.

آثار دیگری نیز وجود دارد که اگر چه در مقایسه با این اثر از اهمیت کمتری برخوردارند، به همان اندازه، معرف تاریخ فرهنگی در عصر طلایی آن هستند. یکی از این آثار، کتاب بسیار معروف گوستاو فرایتاگ (Gustav freytag) با عنوان تصاویری از گذشته آلمان<sup>۱۱</sup> (۱۸۵۹ - ۱۸۶۷) است که زندگی فرهنگی و اجتماعی آلمان‌ها را از دوره‌های پیشین تا اواسط قرن نوزدهم به طور مشروح بررسی می‌کند. اثر دیگر، کتاب بسیار مشهور ویلهلم ریحل (Wilhelm Riehl) تحت عنوان مطالعه فرهنگی از سده سوم<sup>۱۲</sup> (۱۸۵۹) است که مجموعه‌ای از مقاله‌های متنوع در باب موضوع‌های اجتماعی - فرهنگی را شامل می‌شود. نمونه دیگر، اثر کارل لمپرخت (Karl Lamprecht) با عنوان تاریخ آلمان<sup>۱۳</sup> (۱۸۹۱ - ۱۹۰۹) است که روند تغییرات اجتماعی و فرهنگی را طی شش دوره از تاریخ آلمان دنبال می‌کند.

لمپرخت نوعی از مثبت‌گرایی تاریخ‌فرهنگی را ارائه کرد که به واسطه الهام از پیشرفت علوم طبیعی، به ویژه تشریح فرضیه تکامل و به کارگیری مفهوم انتخاب طبیعی، بر این فرض استوار گردید که علم تاریخی واقعی می‌تواند به واسطه دانش دقیق ایجاد شود؛ یعنی این که قوانین حاکم بر فرآیند تاریخی، قابلیت تحقق دارند. بر مبنای این دیدگاه ابزار محقق ساختن این امر محتمل، به کارگیری روش‌شناسی علوم اجتماعی برای کل تاریخ بشر است. بنابراین، این روند، شباهت زیادی با جامعه‌شناسی تاریخی داشت که از زمان آگوست کنت (Auguste Comte) تا هربرت اسپنسر (Herbert Spencer) و تا زمان فرانکلین گیدینگز (Franklin Giddings) در پی مجزا کردن اصول و مراحل متوالی تکامل فرهنگی اجتماعی بود. یکی از اولین افراد شاخص در این عرصه، هنری تی. باکل (Henry T. Buckle) بود که کتاب وی با عنوان تاریخ تمدن در انگلستان (۱۸۶۱ - ۱۸۵۷) تأثیر قابل ملاحظه‌ای به خصوص در آمریکا و روسیه گذاشت.

از مهم‌ترین طرفداران بعدی، علاوه بر خود لمپرخت، می‌توان از شاگردانش، مانند کورت بریزیگ (Kurt Breysig) نام برد که در کتاب مراحل تشکیل و تدوین قوانین تاریخ جهان<sup>۴</sup> (۱۹۰۵) بر آن شدند تا بیست و چهار قانون را برای تاریخ، تدوین نمایند و جیمز هاروی رابینسون (James Harvey Robinson) در کتاب خود با عنوان تاریخ جدید<sup>۵</sup> (۱۹۱۲) شیوه ایجاد و ساختن نمونه‌های مشابه را نشان داد. این‌ها آخرین قهرمان‌های افسانه‌ای یا نمونه‌های شاخص در مطالعه تاریخ فرهنگی محسوب می‌شدند و این سبک تاریخی چندان دوام نداشت.

### تاریخ اجتماعی بدون طرح

هم‌زمان با تحوّل تاریخ‌فرهنگی که با ولتر آغاز گردیده بود، نوعی از تاریخ اجتماعی بدون طرح نیز تکامل یافت. که ویژگی اصلی آن، عدم توجه واقعی به پویایی و واژه‌های اجتماعی و فرهنگی است و هدف عمده و اصلی‌اش تشریح زندگی در جامعه است. از

منظر این تاریخ، کمّ و کیف زندگی از تنوّع بسیاری برخوردار است و با این دیدگاه، گاهی اوقات به بررسی کلّ اجتماع می‌پردازند، مانند پژوهش سرآلبرت ریچاردسون (sir Albert Richardson) دربارهٔ انگلستان تحت سیطره جورج‌ها (۱۹۳۱) و مقالات سرآرتور بریانت (sir Arthur Bryant) در مورد انگلستان در دوران سلطنت چارلز دوم (۱۹۳۵). گاهی اوقات نیز بررسی خود را به بخش محدودی معطوف می‌نمایند؛ مثلاً اثر وارویک رث (Warwick wroth) با عنوان تفرج‌گاه‌های لندن در قرن هجدهم<sup>۱۶</sup> (۱۸۹۶) و اثر رابرت جی آلن (Robert J. Allen) به نام کلپ‌های لندن آگوستین قرن هجدهم<sup>۱۷</sup> (۱۹۳۳). به این ترتیب، تاریخ اجتماعی، از لحاظ جدّی بودن در هدف و از حیث سطح علمی دارای تنوّع فراوانی است، همان طور که تفاوت‌های کیفی قابل ملاحظه‌ای در بین برخی آثار، مانند مطالعهٔ کامل و سنجیدهٔ آلمان در قرن هجدهم (۱۸۸۰ - ۱۸۵۴) نوشتهٔ اف. کارل بیدرمن (F. Karl Bieder mann) و یا طرح تصنّعی و نه چندان جدّی ماکس ون بوهن (Max von Boehen) (۱۹۲۰) از انگلستان در همان دوران مشاهده می‌شود. به علاوه، این نوع تاریخ به طور آشکاری از جهت کمّ و کیف تفسیر از تنوّع برخوردار است.

برخی پژوهش‌ها، مانند تاریخ خانواده در ایالات متحده (۱۹۱۹ - ۱۹۱۷) نوشتهٔ آرتور دابلیو کالهنون (Arthur W. Calhoun) تقریباً خالی از هرگونه غرض‌ورزی و جانب‌داری است و برخی دیگر، مانند اثر کلاسیک اولریخ بی‌فیلیپس (Ulrich B. Philips) در مورد برده‌داری جنوب آمریکا بحث می‌کنند و یا حداقل ایدهٔ محکمی را ارائه می‌کنند. به طور خلاصه می‌توان گفت که یکی از ویژگی‌های اصلی و عمدهٔ تاریخ اجتماعی، تنوّع است.

نمونه اثری که اصول این، روش تاریخی را آشکار می‌سازد، اثر لودویگ فریدلندر (Ludwig friedlander) تحت عنوان زندگی و رسوم رومی در دوران امپراتوری اولیه<sup>۱۸</sup> (۱۸۷۱ - ۱۸۶۲) است که جامعهٔ روم از دوران سلطنت آگوستوس (Augustus)



تا حکومت کومودوس (Commodus) بررسی می‌کند. فریدلندر ابتدا دیدگاهی کلی از شهر امپراتوری، از منظره‌ها و سر و صداهايش ارائه می‌دهد و در ادامه، دربار، طبقات اجتماعی مختلف، زندگی روزمره مردم، جایگاه زنان، تجربه‌های سیاحان، وسایل ارتباطی، مناظر و پیشرفت سریع تجمل‌گرایی را بررسی می‌کند. او به هنر، دین و فلسفه نیز می‌پردازد و هدف اصلی‌اش ارائه تصویری واقع‌گرایانه و مشخص از بازآفرینی زندگی گذشته است.

ابعادی که ویژگی‌های اصلی تابلوی او را تشکیل می‌دهند، انتخابی نسبتاً اختیاری است و مسائل در یک سری مقاله‌های مستقل دنبال می‌شوند که از هیچ نظم خاصی پیروی نمی‌کنند. بیشتر این مقاله‌ها توصیفی هستند و هرگاه که فریدلندر به طور پراکنده، آرای تفسیری مجزا، ساده و ادبی خود را ارائه می‌کند، احکام پند آموز، مقایسه‌هایی میان دوران رومی‌ها و زمان‌های پس از آن و یا مشاهدات کلی از پیشرفت بشر را مطرح می‌کند. دیگر ویژگی اساسی این مقاله‌ها، بی‌توجهی کامل آنها به تغییر و تحول اجتماعی است. این مقاله‌ها، دو قرن تاریخ را به صورت یک واحد ثابت در نظر می‌گیرند.

یک سری عوامل مؤثر، به پیدایش این نوع تاریخ اجتماعی بدون طرح منجر گردید. با وجود پیشینه طولانی تاریخ‌نگارانه که برخی نمونه‌های اولیه، مانند حکایت طاعون آتن به نقل از توسیدیس (Thucydides) را در بر می‌گیرد، این نوع روایت تاریخی، اولین انگیزه واقعاً مهم خود را زمانی یافت که نمونه اثر ولتر، بررسی تاریخی همه جوانب یک جامعه را مجاز شمرد. نمونه‌ای از تأثیر اولیه این الگو را می‌توان در اثر آرنولد هیرن (Arnold Heeren) تحت عنوان ایده‌هایی در باب سیاست، راه‌ها و تجارت دنیای قدیم<sup>۱۹</sup> مشاهده نمود که به بررسی کشاورزی، تجارت، امور مالی، تولیدات، قانون، نظام‌های قانونی و سیاست می‌پردازد. این گستره جدید، باعث شد تا افراد عادی گذشته، در بین موضوع‌های بررسی تاریخی جای گیرند. مدت‌ها قبل از آن که تأثیر مارکس مکتب فکری‌ای ایجاد کند که طبقات جامعه را در کانون توجه اولیه خود قرار دهد، این طبقات به شکل فزاینده‌ای در مطالعاتی نظیر تاریخ طبقات متوسط و کارگر<sup>۲۰</sup> (۱۸۳۳) نوشته جان وید

(John wade) و تاریخ آداب و رسوم یونان باستان<sup>۲۱</sup> (۱۸۴۲) نوشته جیمز ای. اس. تی جانز (James A. St John) بررسی می‌شدند و ورود این طبقات به حوزه مطالعه مورخ، دارای منشأ دو گانه بود: یک سوی آن از مکتب رمانتیسم نشئت می‌گرفت که تأکید زیادی بر توده مردم با تمام ابعاد آن داشت و از سویی دیگر از مشکلات اجتماعی ناشی از صنعتی شدن، متأثر می‌شد و سر منشأ آن جست‌وجوی نوش‌دارو برای حل مشکلات بود. عوامل مهم دیگری که بر این وسعت دید، اثر می‌گذاشت تأثیر و نفوذ دیگر رشته‌های تحصیلی بود. زمانی که تاریخ حقوقی و تاریخ اقتصادی به عنوان رشته‌های مستقل تحصیلی مطرح شدند، دانشمندانی نظیر سرهنری مین (sir Henry Maine)، سرپول وینگرادف (sir paul Vinogradoff) سرفردریک سیبوهام (sir Frederic seebohm) و گوستاو اشملر (Gustav Schmoller) روش جدیدی را اتخاذ کردند. این افراد، هنگامی که متقاعد شدند که مطالعه نهادهای اقتصادی و حقوقی در خلأ، امکان‌پذیر نمی‌باشد، آنها را در ارتباط با دیگر ساختارهای اجتماعی بررسی نمودند. اتخاذ این روش به تدریج آگاهی زیادی از بُعد اجتماعی همه این نهادها به وجود آورد. به علاوه، سبب شد تمایل فراوانی برای در نظر گرفتن تاریخ اجتماعی و اقتصادی به عنوان رشته‌های مرتبط و مکمل به وجود آید که در این رابطه، می‌توان به اثر هنری پیرین (Henri Pirenne) تحت عنوان شهرهای قرون وسطی: منشأها و تجدید حیات تجارت<sup>۲۲</sup> (۱۹۲۵) و اثر هنری سیز (Henri see,s) با عنوان طرح واره تاریخ اقتصادی و اجتماعی کشور فرانسه<sup>۲۳</sup> (۱۹۲۹م) اشاره نمود.

اما نباید نتایج این دو رشته را یکسان تصور کرد. در نتیجه گرایش عمومی و طولانی مفهوم جبر اقتصادی که کامل‌ترین بیان خود را در تاریخ‌نگاری مارکس یافت، تاریخ اجتماعی از اهمیت کمتری نسبت به تاریخ اقتصادی برخوردار گشت. فقط در اواسط قرن حاضر بود که رشد تئوری و تکنیک در تاریخ اقتصادی، آن را با مسائل و مشکلات خاص خود مشغول ساخت و ارتباط میان تاریخ اقتصادی و اجتماعی به تدریج کمرنگ شد.

### جنبش بلوخ - فبور (Bloch - febvre)

هنگامی که تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ارتباط نزدیکی داشتند، جنبشی آغاز شد که در پی از بین بردن این ارتباط بود. این جنبش به رهبری مارک بلوخ (Marc Bloch) و لوسین فبور (Lucien febvre) سبب ایجاد نزدیکی میان سنت‌های تاریخ فرهنگی و تاریخ اجتماعی بدون طرح (Unchematic social history) گردید. محرک اصلی این موضوع، امیل دورکیم (Emile Durkheim) بود و تا حدی از نیروی محرکه ماکس وبر (Max weber) و ارنست ترولتسچ (Ernst Troeltsch) الهام می‌گرفت که رویه آنها، خط بطلانی بر نظرشان مبنی بر عدم امتزاج تاریخ و جامعه‌شناسی بود.<sup>۲۴</sup>

هدف جنبش، بلند پروازانه بود. باور به این دیدگاه که فهم بافت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی مستلزم مطالعه به صورت کلی هستند، سبب شد که تاریخ اجتماعی به تاریخ جامعه (Societal) تبدیل شود. این جنبش، چنین تاریخی را بازسازی دوره‌های گذشته می‌دانست که در آن کل محیط‌های فیزیکی، ایدئولوژیکی و هنجاری به نوعی لحاظ می‌شود که در آن، واحد در بر گیرنده تلقی هم علمی‌تر و هم انسانی‌تر از نوع معمول آن ارائه گردد. این ایده‌آل شباهت‌های فراوانی با اهداف انسان‌شناسی فرهنگی اخیر دارد. اثری که موفقیت چنین آرمانی را در واقعیت آشکار می‌سازد، شاهکار مارک بلوخ با عنوان جامعه فئودال<sup>۲۵</sup> (۱۹۳۰ - ۱۹۴۰) است.

ابزار اصلی که این جنبش برای رسیدن به چنین موفقیتی لازم می‌دانست، این بود که بر مبنای اطلاعات حاصل از روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد و جغرافیا، ترکیب منسجمی ارائه گردد. اما این جنبش مقرر کرد که بیشترین توجه به اطلاعاتی معطوف شود که از روزگاران قدیم باقی مانده‌اند؛ یعنی مجموعه‌ای از شواهد که گیواوانی باتیستاویکو (Giovanni Battistavico) (۱۷۲۵) ارزش آنها را کاملاً درک نمود. و یک قرن بعد ویلهلم ریحل آنها را به طور کامل استفاده کرد. با این فرض که اطلاعات باقی‌مانده مربوط به باستان‌شناسی، نقشه‌نگاری، زبان‌شناسی و یا فولکلریک، بسیار معتبرتر

از منابع مستند هستند. این جنبش بر این باور است که این اطلاعات می‌توانند شناخت بنیادی مورد نیاز برای بازآفرینی گذشته را فراهم آورند. برای تبیین این رویکرد، بلوخ و فیور در سال ۱۹۲۹ سالنامه‌های تاریخ اقتصادی و اجتماعی ( *Annales d'histoire economique et sociale* ) را به وجود آوردند که نفوذ جنبش را جاودانی ساخت و آن را در همه جا منتشر کرد. این تأثیر که در فرانسه در قوی‌ترین حالت خود قرار دارد و در حال حاضر دانشمندانی، چون چارلز موراز (Charles Moraze) و رابرت ماندرو (Robert Mandrou) آن را ارائه می‌کنند، طی دهه‌های اخیر سهم فراوانی در تضعیف جایگاه سنتی تاریخ سیاسی داشته است.

#### استیلای تاریخ سیاسی

از آغاز شکل‌گیری تاریخ اجتماعی بدون طرح و تاریخ فرهنگی، تمامی عوامل به این دو روش، مجبور بودند تا علیه تفوق و برتری تاریخ سیاسی تلاش کنند. تکمیل این برتری را در قرن نوزدهم می‌توان آشکارا در تعریف ادوارد ای. فریمین ( Edward A. Freeman) مشاهده نمود که تاریخ را به طور کل «سیاست گذشته» (۱۸۸۶) نام نهاد. بقایای این دیدگاه را در اواسط قرن بیستم می‌توان در تأکید جفری آر. التن ( Geoffrey R. Elton) (۱۹۵۶) مبنی بر این که تاریخ سیاسی فراهم آورنده بهترین چارچوب ممکن برای نظم دادن به اطلاعات تاریخی است، مشاهده نمود.

تا زمانی که برتری تاریخ سیاسی، بدون هیچ آسیبی تداوم یافت، یکی از مظاهر برجسته آن مخالفت شدید در برابر هر نوع گسترش حوزه مطالعات تاریخی و هر نوع اعراض از دستورالعمل لئوپلد ون رانکه (Leopold Von Ranke) بود که حوزه عمل را افزایش حقیقی، نه تعمیم روایت و نه تحلیل افراد و نه گروه‌ها، شاخص‌ها و نه به بی‌هویتی‌ها می‌دانست. این مخالفت، تحوّل تاریخ اجتماعی را از ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار داد.

وقتی که کار با اثر تأثیرگذار آگوست بوخ (August Bockh) تحت عنوان *بودجه*

دولتی آتنی‌ها<sup>۲۶</sup> (۱۸۱۷) که در آن، حکومت و اجتماع با دقتی برابر، مطالعه شدند، آغاز گردد، بعید نیست که مطالعات در این حوزه به صورت تک جلدی تک‌نگاری (narrative) و یا جامع ظاهر شود. اما مقدار و حجم اختصاص داده شده به نتایج چنین تحقیقاتی در آثار مربوط به تاریخ روایی عمومی بسیار اندک بود. نمونه برجسته‌ای که شاهد این مدعاست، بخش سوم اثر معروف توماس بی‌مک کوئلی (Thomas B. Macaulay) با عنوان تاریخ انگلستان<sup>۲۷</sup> (۱۸۶۱ - ۱۸۴۹) است که می‌تواند به عنوان الگوی بسیار کوچکی برای یک بررسی سیاسی عظیم، استفاده شود. به همین ترتیب، فقط پنج بخش از بیست و یک بخش اثر برجسته ویلیام ای اچ لکی (William E. H. Lecky) در باب انگلستان قرن هجدهم (۱۸۹۰ - ۱۸۷۸) به نهادهای غیر سیاسی می‌پردازد و نسبتی حتی کوچک‌تر از این را می‌توان در کتاب تاریخ انگلستان در دوران سلطنت ملکه کوئین آن،<sup>۲۸</sup> تألیف جی ام ترولیان (G. M. Trevelyan) (۱۹۳۴ - ۱۹۳۰) ملاحظه نمود که در آن علی‌رغم این که نویسنده یک مورخ اجتماعی شناخته می‌شود، فقط هفت بخش از پنجاه و پنج بخش این اثر به نهادهای غیر سیاسی مربوط می‌شود.

انحصار تاریخ روایی عمومی به سیاست، مانع عمده‌ای ایجاد کرد که طرفداران تاریخ اجتماعی برای پیشرفت رشته خود، مجبور شدند آن را از جلوی پایشان بردارند و البته تا اوایل قرن بیستم در این کار به موفقیت محسوسی دست نیافتند. اساس این موفقیت در گسترش آشکار حوزه تاریخ عمومی بود. اما غالب اوقات این موقعیت جدید، چیزی جز ارائه مجزای ویژگی‌های متنوع جامعه در بر نداشت و هنوز هم توجه عمده به موضوع‌ها و مسائل سیاسی معطوف بود. حتی در زمان‌های بعد، هنگامی که فضای اختصاص یافته به چنین موضوع‌هایی به شدت کاهش یافت، تلاش‌های اندکی انجام گرفت تا ترکیبی که مورد حمایت برخی دانشمندان، نظیر مارک بلوخ و هنری بر (Henri Berr) بود، به وجود آید و آن را می‌شد از مقاله‌ای مقدماتی با عنوان فصلنامه هم‌اندیشی تاریخی در

خصوص برنامه‌ها ۱۹۰۰<sup>۲۹</sup> استنباط کرد.

علت اصلی یک‌سان توجه نکردن به تاریخ سیاسی و اجتماعی، ناشی از وجهه متفاوتی است که این دو رشته از آن بهره‌مند هستند. تاریخ سیاسی از ارزش زیادی برخوردار بود. به سبب این که تاریخ سیاسی از جنبه آگاهی بخش و آموزنده برخوردار بود، جدی تلقی می‌شد و آن را محافظ سنت ملی و القاء کننده وطن پرستی می‌دانستند و با ارزش محسوب می‌شد. در مقابل، تاریخ اجتماعی از ارزش کمتری برخوردار بود. تاریخ اجتماعی خواه در شکل تاریخ فرهنگی یا تاریخ بدون طرح، بیشتر جنبه سرگرمی داشت که می‌توانست بیدارکننده نوستالژی باشد و یا باعث ارضاء کنجکاوی و ایجاد خواب و خیال گردد.

توسعه رشته‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و تأکید بر این که جامعه، موضوعی مهم‌تر و اساسی‌تر از دولت است، سبب کاهش تفاوت در وجهه این دو رشته گردید، اما این تفاوت تا مدت‌ها ادامه یافت. به علاوه این موضوع باعث تعارضی میان دو رشته شد که در سال‌های بین ۱۸۸۸، تا ۱۸۹۱ م به اوج خود رسید؛ یعنی زمانی که دیتریخ شافر (Dietrich Schafer) و ابرهارد گوتین (Eberhard Gothein) بر سر این مسئله که بین جامعه و دولت کدام یک را باید موضوع تحقیق تاریخی قرار داد، بحث و مجادله می‌کردند.<sup>۳۰</sup> آتش این درگیری مدت‌هاست که خاموش شد و با این که تفاوت در وجهه این دو رشته بسیار کم شده است، اما هنوز ادامه دارد.

### گرایش‌های رایج

در حال حاضر توجه اندکی به وجهه نسبی (relative prestige) تاریخ اجتماعی می‌شود و هنوز هم نگرانی زیادی از وضعیّت نامطلوب آن وجود دارد. این نگرانی ناشی از سرشت بی‌شکل و بی‌ثبات تاریخ اجتماعی است که بیشتر از فقدان یک نظریه جامع برای تعریف مفاهیم و فرضیه‌ها ناشی می‌شود. محدوده‌های نامشخص آن ناشی از نبود توافق بر سر حوزه و فقدان نوع خاصی از مطالب و منابع است و میراث انسانی فوق‌العاده این

رشته باعث ایجاد حس تحمل ارزش‌یابی‌های غیر دقیق احساسی و ادعاهای بدون اثبات می‌گردد که این‌ها ناشی از پرهیز از تحلیل و کلام مفراط به توصیف می‌باشد که همگی ریشه در روش و نسخه تجویز شده رنکین (Rankean) دارد.

### مخالفت با جامعه‌شناسی

این نواقص تا میزان زیادی از طریق کاربرد وسیع و منظم مفاهیم و روش‌های جامعه‌شناختی قابل درمان است، اما بیشتر مورخان، تمایلی به اتخاذ این روش که تاریخ اجتماعی را به تاریخ جامعه‌شناختی تبدیل خواهد کرد، از خود نشان نمی‌دهند. بی‌تمایلی آنها ناشی از مخالفت با جامعه‌شناسی است که یک قرن قدمت دارد و فقط طرفداران مکتب مثبت‌گرای تاریخ فرهنگی و پیروان مارک بلوخ و لوسین فبور از این امر مستثنا هستند.

این مخالفت ناشی از ترس و تعصب عمیق بود. مورخان از این در هراس بودند که ادعای مختصر و طرح قانونی جامعه‌شناسی، کار آنان را به نقش ثانویه رشته جامعه‌شناسی؛ یعنی جمع‌آوری اطلاعات کاهش دهد. به علاوه، آن‌ها روش‌ها و آمال جامعه‌شناسی را شبه علمی و در نهایت دستاوردهای آن را بی‌اهمیت می‌دانستند و وابستگی مطالعه تجربی آن به تفسیر امور انتزاعی نمایشی را فقط نوعی فلسفه تاریخ در پوششی نو تلقی می‌کردند. تغییر ماهیتی که جامعه‌شناسی از سال ۱۹۴۰م؛ یعنی از بدو ورود به دوران جدید در خود ایجاد کرده است، به طور کامل ترس مورخان را از تاریخ اجتماعی بی‌اساس نمود و تحقیر آن‌ها را از بین برد. اما تعصب انسانی شدید که موجب بی‌زاری مورخان از توجهات، روش‌ها و اهداف تاریخ اجتماعی شده است، هم چنان باعث تقویت این مخالفت می‌گردد.

### مخالفت جامعه‌شناسان

این مخالفت در میان جامعه‌شناسان نیز وجود داشت و جامعه‌شناسان به سبب حسادت به میراث کهن، احترام و ارزش علمی و آکادمیک، چهره برتر و ادعاهای زیاد تاریخ،

خصوصیت دیرینه‌ای با رشته تاریخ داشتند. به ویژه دو ادعا در این خصوصیت سهیم بود؛ زیرا به نظر می‌رسید این موارد با ادعاهای جامعه‌شناسی تعارض شدید دارد. یکی از این ادعاها، پیش‌دستی تاریخ بود در این که هر رفتار مضبوط متعلق به گذشته را در حیطه کار خود می‌دانست و دومی، نقش آموزشی بود که تاریخ برای خود به عنوان مفسر بزرگ رفتار بشر قائل بود. اگر تاریخ به عنوان رشته‌ای علمی، رقیب و مورد تنفر جامعه‌شناسی بود، به عنوان یک رشته پایین‌تر نیز مورد نفرت آنها بود. جامعه‌شناسان اطلاعات جمع‌آوری شده تاریخ را فاقد اصالت تحقیقی می‌دانستند. آنها توجه تاریخ به وقایع گسسته را وسواس گرایانه می‌دانستند و امتناع تاریخ از جست‌وجوی اطلاعات ناکافی را به غیر علمی بودن تاریخ نسبت می‌دادند. همان‌طور که ادعاهای جامعه‌شناسی مبنی بر مشروعیت عقلانی و نهادی بیشتر به رسمیت شناخته شد، این نگرش‌ها نیز نسبت به تاریخ ملایم‌تر شد، اما اختلافات باقی مانده همچنان اساسی هستند.

برای تبیین خاستگاه و علل تداوم مخالفت میان دو طرف، مورخان و جامعه‌شناسان، هر دو تأکید کرده‌اند که تضادی اساسی میان دو رشته وجود دارد. با استناد به ایدئالیسم جدیدی که به دست ویلهلم دیلتای (Wilhelm Dilthey) و هنریخ ریکرت (Heinrich Rickert) در پایان قرن نوزدهم شکل یافت. دو طرف مدعی شدند که تاریخ بر اندیشه فردی متکی است، بنابراین به موارد منحصر به فرد، یگانه و فردی می‌پردازد و از این‌رو بررسی توصیفی را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید؛ در حالی که جامعه‌شناسی هنجارگرا است و بنابراین با موارد تکراری و منظم سر و کار دارد و به همین سبب نتیجه‌گیری کلی و تعمیم دادن را ممکن می‌سازد. هم‌چنین، مدعی شده‌اند که دیدگاه تاریخ «در زمانی» است؛ چرا که اطلاعات را در یک توالی موقت و گذرا دنبال می‌کند در حالی که روش جامعه‌شناسی بر «هم‌زمانی» متکی است؛ زیرا اطلاعات را بدون توجه به زمان خاصی بررسی می‌کند و چنین استدلال کرده‌اند که روش‌های پژوهش تاریخی برای بررسی گذشته مفید است؛ در حالی که روش‌های ویژه جامعه‌شناسی فقط برای پدیده‌های معاصر به کار می‌آیند.



### تجدید رابطه میان جامعه‌شناسی و تاریخ

میان دو گروه جامعه‌شناسان و مورخان اقلیت مشتاق و شجاعی وجود داشت که این ادعاها را رد کردند و از ضدیت موجود در بطن این ادعاها انتقاد نمودند و به شدت مدافع ارتباط نزدیک میان تاریخ و جامعه‌شناسی بودند. گاه در نیم قرن گذشته، تلاش برای افزایش تبادل چنین افکاری، بحث‌های شدیدی را در پی داشت و در این میان، خطابه‌های داغ و اظهار نفرت‌های منظم و مدوئی ابراز شد. تلاش‌های جدید از حمایت قوی بهره‌مند شدند که این امر به طور کلی ناشی از روحیه در حال تقویت مبادلات میان رشته‌ای است و فواید دو طرفه از ارتباط و همکاری نزدیک میان تاریخ و همه علوم اجتماعی دیگر ناشی می‌شود.

این گروه در عین حال از حمایت قوی جامعه‌شناسانی برخوردار بوده‌اند که به تازگی از جهت‌گیری ضد تاریخی رشته خود احساس ناراحتی می‌کنند. این جهت‌گیری که به عمد در زمانی که جامعه‌شناسی به دنبال خودکفایی عقلانی و ایجاد یک نظام منسجم نظریه‌پردازی بود، اتخاذ گردید. اخیراً سی رایت میلز (C. Wright Mills) تجربه‌گرا و پیروانش به شدت آن را رد کرده‌اند؛ زیرا آنان معتقدند که داشتن اطلاعاتی از گذشته برای درک جامعه معاصر و مشکلات آن اگر ضروری نباشد، ارزشمند است. مهم‌تر از آن، تعداد رو به افزایش طرفداران نظریه نظام‌مند است که دانشمندان بزرگی چون رابرت کی مرتون (Robert. K. Merton) و برنارد باربر (Bernard Barber) آنها را رهبری می‌کنند. آنها نه تنها توصیه اکید کرده‌اند که اطلاعات تاریخی و روند تغییرات اجتماعی ارزش بررسی دارد، بلکه با شدت و حدت مدافع و مشوق تجدید رابطه میان مورخان و جامعه‌شناسان هستند.

اگر چه چنین تجدید رابطه‌ای در حد یک امکان است، در این مسیر گام‌هایی نیز برداشته شده است. هم‌چنان که برخی مفاهیم نسبتاً ساده جامعه‌شناختی به طور کلی در نزد دانشمندان رواج پیدا کرده است، مورخان نیز تقریباً ناخواسته آنها را به کار می‌برند. بنابراین برخی محققان و عالمان در حوزه‌های تاریخ سیاسی، روشن‌فکری و مذهبی با

چنین مفاهیمی بازی کرده‌اند و اجازه داده‌اند تا به عنوان محرکی برای توان تخیلی در تحقیق و تلفیق، استفاده شوند و در ضمن، عده‌ای نیز این مفاهیم جامعه‌شناختی را به عمد به شکلی نامنظم و غیر اصولی به کار گرفته و مستقیماً از آنها استفاده کرده‌اند. در نتیجه این تمهیدات، تاریخ‌نگاری اخیر، بخش عمده‌ای از آثار نسبتاً جامعه‌شناسی را شامل می‌شود. برخی نمونه‌های آن عبارتند از: نوشته‌های گئورگ فبور ( Georges Lefebvre)، آلبرت سوبول (Albert Soboul) و پیرگوبرت ( Pierre Goubert).

### تاریخ جامعه‌شناختی

تعداد اندکی از مورخان اجتماعی از این تقسیم‌بندی فراتر رفته و به طور موقت از نظریه جامعه‌شناختی استفاده کرده‌اند و آن عده اندکی که این نظریه را به طور وسیع و منظم به کار گرفته‌اند تاریخ جامعه‌شناختی واقعی را ایجاد کرده‌اند. یکی از نمونه‌های این آثار را می‌توان در اثر الینور جی باربر (Elinor G. Barber) با عنوان بورژوازی در فرانسه قرن هجدهم<sup>۳۱</sup> (۱۹۵۵) مشاهده نمود که با قوت، مزایای بالقوه این رویکرد را به نمایش می‌گذارد. این اثر ارزنده با بهره‌مندی از مفاهیم مستخرج از نظریه ساختاری - کارکردی، موقعیت متغیر طبقات میانی جامعه فرانسه را در دهه‌های قبل از انقلاب سال ۱۷۸۹ به طرز ماهرانه‌ای بررسی می‌کند. در ابتدا، این اثر، نظام طبقه‌بندی متداول در جامعه را به عنوان ترکیبی معرفی می‌کند که در آن، عناصر طبقاتی مسلط و عناصر متعلق به طبقه باز و آزاد در حاشیه هستند و بنابراین تحرک طبقاتی به طور محدودی تأیید می‌شود. سپس، این اثر پس از بررسی دقیق ترکیب و تفاوت درون طبقه بورژوا، فشارهای شدید و هولناکی را که متوجه طبقه متغیر اجتماعی بود، توصیف می‌کند. این طبقه می‌کوشید تا با چشم‌پوشی نسبی از ارزش‌های سنتی کاتولیک و با اتخاذ نسبی ارزش‌های غیر مذهبی مدرن و با قبول ساختار طبقه‌بندی توأم با عزم و اراده برای صعود و پیشرفت، نوعی آشتی میان همه این عناصر

ایجاد کند.

این اثر در عین حال نشان می‌دهد که چگونه این تعارضات در میان بسیاری از افراد طبقه بورژوا، نوعی دوگانگی بر سر انتخاب روش درست زندگی ایجاد نمود که منجر به احساس گناه، بی‌قراری و ترسی می‌شد که سبب اتصال شخص به الگوی سنتی طبقه خودش می‌گردید و از طرفی، زیاده‌خواهی سبب می‌شد تا افراد این طبقه، بکوشند الگوی زندگی اشرافی را اتخاذ نمایند و تمام تلاششان برای ورود به طبقه آنان باشد.

این اثر، در نهایت پس از بررسی راه‌های ورودی که به واسطه آن می‌شد از نردبان طبقه اشراف بالا رفت، به بررسی و تحلیل دشواری این صعود می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه ناامیدی آنها فشارهای ناشی از تعارض ارزش‌ها را شدت می‌بخشید و سبب می‌شد که در نهایت این افراد، کل ساختار طبقه اجتماعی را نفی کنند. بنابراین الینور جی باربر، با در نظر گرفتن اطلاعات رایج در درون یک چارچوب جدید، تفسیری بسیار گویا و عمیق ارائه می‌دهد و با ظرافت، نگرشی نو و تازه را فراهم می‌کند.

امروزه علاقه برخی جامعه‌شناسان به اطلاعات تاریخی، آنان را به سمت این حوزه کشانده است. احتمال این که جامعه‌شناسان بتوانند این حوزه از تاریخ اجتماعی را به انحصار خویش در آورند با آثار ذیل افزایش می‌یابد:

رابرت ان بلا (Robert N. Bellah) دین توکوگوا: ارزش‌های ژاپن ماقبل صنعتی<sup>۳۲</sup> (۱۹۵۷)، نیل جی اسملسر (Neil J. Smelser) تغییر اجتماعی در انقلاب صنعتی<sup>۳۳</sup> (۱۹۵۹)، سی مور ام لیپست (Seymour M. Lipset) اولین کشور جدید: ایالات متحده از جنبه تاریخی و مقایسه‌ای<sup>۳۴</sup> (۱۹۶۳) و اثر چارلز تیلی (Charles Tilly) با عنوان مشتریان<sup>۳۵</sup> (۱۹۶۴). این چالش خارجی و نقص‌های فعلی درونی این رشته، مورخان اجتماعی را وا می‌دارد تا به منظور ایجاد تحوّل در رشته خود، به شاگردی جامعه‌شناسان راضی شوند.

## پی نوشت‌ها

1. MOSER, Justus (1768) 1819 \_ 1824 *Osnabruchische Ge – schichte*. 3d ed. 3 vols. Berlin: Nicolai.
2. VOLTAIRE. FRANCOIS M. A. (1751) 1962 *The Age of Louis XIV*. New York. Dutron. First published in French.
3. VOLTAIRE, FRANCOIS M. A. (1756) 1835 *Essai sur l'his toire generale et sur les moeurs et lesprit*. 4 vols paris: Treuttel.
4. HERDER, JOHANN GOTTFRIED VON (1784 – 1791) 1800 *Outlines of a philosophy of the History of Man*. London Hansard. First published in German.
5. TURGOT, ANNE ROBERT J. (1750) 1929 *On the prograss of the Human Mind*. Hanover. N. H: Sociological press. Originally a lecture given in Latin at the Sorbonne.
6. CONDORCET, MARIE JEAN ANTOINE NICOLAS CARITAT (1795) 1955 *shetch for a Historical picture of the progress of the Human Mind*. New York: Noonday First published in French.
7. HALLAM, HENRY (1818) 1904 *view of the state of Europe During the Middle Ages*. 2 vols. New York: Appleton.
8. GUIZOT, FRANCOIS P. (1828) 1896 *General History of Ciulization in Europe*. Edited, with critical and sup plementary notes. By George wells Knight. New York: Appleton . First published in French.
9. BURCKHARDT, JACOB (1853) 1949 *The Age of Constantine the Great* London: Routledge. First published as Die Zeit Constantins des Grossen.
10. BURCKHARDT, JACOB (1860) 1958 *The Ciuilisation of the Renaissance in Italy*. New York: Harper. First published as Die Cultur der Renaissance in Italien.
11. FREYTAG, GUSTAV (1859 – 1867) 1930 *Bilder aus der deutschen Vergangenheit*. New ed. 3 Vols. Berlin, Deutsche

Buchgemeinschaft.

12. RIEHL, WILHELM, H. 1859 *Culturstudien aus drei Jahrhunderten*. Stuttgart (Germany): Cotta.

13. LAMPRECHT, KARL, G. 1891 – 1909 *Deutsche Geschichte*. 12 vols. Berlin: Gartner.

14. BREYSIG, KURT, 1905 *Der stufen-Bau und die Gesetze der Welt – Geschichte*. Berlin: Bondi.

15. ROBINSON, JAMES HARVEY (1912) 1958 *The New History* Essays Illustrating the Modern Historical outlook. Springfield, Mass: Walden.

16. WROTH, WARWICK 1896 *The London pleasure Gardens of the Eighteenth Century*. London and New York: Macmillan.

17. ALLEN, ROBERT. J. 1933 *The Clubs of Augustan London*. Cambridge. Mass: Harvard Univ. press.

18. FRIEDLANDER, LUDWIG, (1862 – 1871) 1908 – 1913 Roman *Life and Manners Under the Early Empire*. 7th ed. rev. 8th ed. 4 vols. London: Routledge. First published as Darstellungen aus der Sittengeschichte Roms.

19. HEEREN, ARNOLO H. L. (1793 – 1812) 1824 – 1826 *Ideen über die politik, den Verkehr, und den Handel der alten Welt*. 4th ed, 3 vols. Göttingen (Germany): No publisher given.

20. WADE, JOHN. (1833) 1835 *History of the Middle and Working classes*. With a popular Exposition of the Economical and political principles Which Have Influenced the past and present condition of the Industrious orders. 3d ed. London: Wilson.

21. ST. JOHN, JAMES A. 1842 *The History of the Manners and Customs of Ancient Greece*. 3 vols. London: Bentley.

22. PIRENNE, HENRI (1925) 1956 *Medieval cities: Their origins and the Revival of Trade*. Garden city, N. Y. Doubleday. First published in French.

23. SEE, HENRI. 1929 *Esquisse d'une history economique et sociale de la France*. Paris: Alcan.

24. TROELTSCH, ERNST 1992 *Der Historismus and seine problem*. Tübingen (Germany): Mohr; MCGREW, R. E. 1958 *History and the social sciences*. Antioch Review 18: 276 – 289.

25. BLOCH, MARC, (1939 – 1940) 1961 *feudal society*. Univ of

Chicago press. First published as la soclete feodale: la formation des liens de dependence and la societe feodale: les classes le gouvernement des hommes.

26. BOCKH, AUGUST (1817) 1886 *Die staatshaushaltung der Athener*. 3d ed. 2 vols. Berlin: Reimer BOEHN, MAX VoN 1920 England im achtzehnten Jahr hundert. Berlin: Askanischer verlag.

27. MACAULAY, THOMAS B. (1849 – 1861) 1953 History of Enaland From the Accession of James 11. 4. vols. New York: Dutton.

28. TREVELYAN, GEORGE M. 1930 – 1934 *England Under Queen Anne*. 3 vols. London and New York: Longmans.

29. Sur notre programme (by Henri Berr). 1900 *Reuue de synthese historigue* 1: 1 – 8.

30. GOLDFRIEDRICH, JOHANN A. 1902 *Die historische Ideen lehre in Deutschland*, Berlin: Gartner. ; GOTHEIN, EEERLTARD 1889 Die Aufgaben der Kulturge – schichte. Leipzig: Duncker 8 Hamblot.

31. BARBER, ELINOR G. 1955 *The Bourgeoisie in Einghteenth Century france*. Princeton Univ. press.

32. BELLAH, ROBERT N. 1957 *Tohugawa Religion: The Val ues of pre- industrial Japan*. Glencoe, III:free press.

33. SMELSER, NEIL J. 1959 *social change in the Industrial Reuolution*. London: Routedge. Univ. of Chicago press.

34. LIPSET, SEYMOUR M. 1963 *The first New Nation: the United states in Historical and comparatiue perspec tiue*. New York: Basic Books.

35. TILLY, CHARLES H. 1964 The Vendee. Cambridge, Mass: Harvard Univ. press.